

به مناسبت اول ماه می روز همبستگی بین المللی پرولتاریای جهان

تجلیل از اول ماه می درحقیقت گرامی داشتنی است از مبارزات انقلابی طبقه کارگر علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست آن. همه ساله در این روز کارگران و کمونیستهای انقلابی در سراسر جهان با تشکیل گردهمآیها و تظاهرات ها به اصل انترناسیونالیسم پرولتری و استحکام آن تجدید تعهد می کنند. مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر جهان علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع تاریخ طولانی دارد. این مبارزات زمانی به مطالباتی از قبیل افزایش دستمزد، تقیل ساعات کار و بهبود شرایط کار محدود می شد؛ لیکن به مرور زمان و با ارتقای سطح آگاهی سیاسی طبقه پرولتاریا، مبارزات آن ها شکل سازمانیافته تر بخود گرفته و خواستههای سیاسی طبقاتی خود را در برابر طبقه حاکم سرمایه دار (دولتها) قرار دادند. مارکس و انگلس بنیان گذاران سوسیالیسم علمی اولین سازمان بین المللی کارگران «اتحادیه کمونیستها» را در سال (۱۸۴۷ میلادی) اساس گذاشته و در سال ۱۸۴۸ میلادی «مانیفست کمونیست» برنامه مفصل تئوریک و عملی طبقه پرولتاریای جهان را برای انقلاب کردن انتشار دادند. مارکس و انگلس شعار «پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!» را اعلام نمودند. این شعار اساس انترناسیونالیسم پرولتری را تبیین می کند که مفهوم واقعی آن اتحاد و همبستگی پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش همه ملل جهان در مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع می باشد. کارگران در سراسر جهان دارای موقعیت طبقاتی یکسان هستند و منافع آن ها مشترک است؛ از اینرو مبارزه متحدی را علیه نظام سرمایه داری جهانی و امپریالیسم به پیش می برند. پرولتاریا به لحاظ ایدئولوژیک وطن ندارند؛ البته باین معناییست که آن ها در سرزمین معینی زندگی و مبارزه نمی کنند. مارکس می گوید: «در بین طبقاتی که در برابر بورژوازی قرار دارند تنها پرولتاریا یک طبقه واقعاً انقلابی است». این بدان مفهوم است که طبقه پرولتاریا به لحاظ هستی اجتماعی (موقعیت طبقاتی) اش خصلتاً انقلابی است. طبقه پرولتاریا نه تنها رهائی خود را از استثمار و استثمار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم مدنظر دارد؛ بلکه هدف عالی و نهائی آن رهائی تمام زحمتکشان جهان و بالاخره نجات کل بشریت از سلطه و استثمار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ساختن جهانی فارغ از هر نوع استثمار و غارتگری و جنگ و جنایت می باشد. پرولتاریا برای رسیدن به اهداف عالی اش باید آگاهی انقلابی طبقاتی حاصل کند و این آگاهی بوسیله کمونیستهای آگاه و انقلابی به طبقه کارگر رسانده می شود. لیکن این نیروی خلاق خود پرولتاریا است که در اتحاد با سایر طبقات خلق زحمتکش مبارزه طبقاتی انقلابی را تحت رهبری ستاد انقلابی اش حزب کمونیست انقلابی (م- ل- م) تا سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی و قطع سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب پرولتری و ساختمان سوسیالیسم و رسیدن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) به پیش می برد. و این همان تحقق آمیزش سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر است. تاریخ مبارزات انقلابی طبقه پرولتاریا خاصاً در قرن بیستم میلادی این امر را با ثبات رسانده است که در بین تمام طبقات خلق زحمتکش پرولتاریا یگانه طبقه پیکارجوی انقلابی است که مبارزه را تا پیروزی انقلاب ادامه می دهد. پیروزی انقلاب پرولتری در ماه اکتوبر سال (۱۹۱۷ میلادی) و تاسیس دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد جامعه سوسیالیستی در روسیه تزاری (برهبری رفیق لنین) و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در سال ۱۹۴۹ میلادی در چین و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۵۸ (برهبری رفیق مائوتسه دون) و پیروزی انقلاب های دموکراتیک توده ای در چند کشور اروپای شرقی بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم شاهد این مدعا است. همچنین برپای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریای در چین در سال ۱۹۶۶ میلادی تحت رهبری حزب کمونیست چین در اس آن رفیق مائوتسه دون آغاز گردید و برای یکدهه ادامه یافت نیز از دست آوردهای بزرگ انقلابی پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان در قرن بیستم میلادی می باشد.

طبقه کارگر برای انقلاب کردن به عمده ترین سلاح انقلاب یعنی حزب کمونیست انقلابی با خط ایدئولوژیک- سیاسی (مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم) ضرورت دارد. این حزب باید از آگاه ترین باایمان ترین و صادق ترین انقلابیون کمونیست و پرولتاریای انقلابی ایجاد شود. تقویت و استحکام ستاد انقلابی پرولتاریا چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب پرولتری مستلزم تداوم مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی اصولی و انقلابی در داخل احزاب کمونیست انقلابی علیه انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم توسط کمونیستها و پرولتاریای انقلابی است. از آنجایی که بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در دوران سوسیالیسم نیز تضاد های طبقاتی وجود دارد و در تمام دوران سوسیالیسم باید مبارزه طبقاتی ادامه یابد. رفیق مائوئسه دون با مطالعه و تحقیق علمی و انقلابی در پرتودیالکتیک ماتریالیستی درباره سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی و به شکست کشاندن انقلاب در اتحاد شوروی توسط رویزیونیستهای درون حزب و دولت تعوری: «ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا» را تدوین کرد. همچنین مائوئسه دون می گوید: «تا پیروزی انقلاب پرولتری و رسیدن به جامعه بدون طبقه و کمونیسم ضرورت به چندین انقلاب فرهنگی پرولتاریایی است». و به شکست کشاندن انقلاب چین توسط رویزیونیستهای درون حزب و دولت بعد از مرگ رفیق مائوئسه دون صحت این تعوری علمی و انقلابی وی را به ثبوت رساند که با یک مرحله انقلاب فرهنگی پرولتاریایی نمی توان از شکست انقلاب پرولتری و سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا و انهدام نظام سوسیالیستی توسط عوامل بورژوازی در درون حزب و دولت جلوگیری کرد. کمونیستها و پرولتاریای انقلابی همزمان در دوسنگرمی رزمند؛ یکی سنگرمبارزه علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فیودال کمپرادور و دیگری سنگرمبارزه علیه انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم در درون احزاب کمونیست انقلابی و در سطح جهان. رویزیونیسم دشمن نقابدار پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان است و به همین لحاظ مبارزه علیه انواع رویزیونیسم نیز یک مبارزه طبقاتی است. لنین می گوید: «بدون مبارزه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ممکن نیست». رویزیونیسم شکلی از ایدئولوژی بورژوازی است. از نظر فلسفی رویزیونیسم در اصول دیالکتیک ماتریالیستی تجدید نظر کرده و ایده آلیسم و ذهنی گری را جایگزین آن می کند. بعبارت دیگر رویزیونیسم اصول جهان بینی طبقه پرولتاریا را نفی کرده و این طبقه را از سلاح تعوری آن محروم نموده و در نتیجه به سرمایه داری جهانی و امپریالیسم خدمت می کند. رویزیونیست ها جهت اغوی طبقه کارگر و سایر طبقات خلق ظاهرأ شعار «ضدامپریالیسم و ضد ارتجاع» سر می دهند و مزورانه بیرق «دفاع» از منافع طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش را بلند می کنند. این دشمنان نقابدار انقلاب پرولتری نظربه اوضاع و شرایط چهره عوض می کنند؛ گاهی به شکل و شیوه اپورتونیسم راست و گاهی به شکل و شمایل اپورتونیسم «چپ» و همواره منتظر فرصت اند تا حزب انقلابی پرولتاریا و انقلاب پرولتری را از درون مورد حمله قرار داده و آن را به فساد و تباهی بکشانند. بعد از وفات رفیق استالین در سال ۱۹۵۳ میلادی رویزیونیستهای مخفی درون حزب و دولت در اتحاد شوروی برهبری خروشچف مرتد و خاین با تسلط بر حزب و دولت دیکتاتوری پرولتاریا را سرنگون کرده و نظام سوسیالیستی را منهدم کردند. همچنین رویزیونیستهای مخفی در احزاب کمونیست در کشورهای اروپای شرقی به پیروی از رویزیونیسم «مدرن» (خروشچفی) دولتهای دموکراتیک توده ای و سوسیالیستی را سرنگون کردند و یکجا تحت رهبری کرملین بلوک سوسیال امپریالیستی «شرق» را تشکیل دادند. بهمین صورت احزاب کمونیست زیادی در سطح جهان به پیروی از رویزیونیسم «مدرن» خروشچفی در منجلا ب رویزیونیسم سقوط کردند. در کشور چین نیز بعد از وفات رفیق مائوئسه دون در سال ۱۹۷۶ میلادی رویزیونیستهای «سه جهانی» برهبری دینگ سیاءوپنگ مرتد و خاین بر حزب و دولت مسلط شده و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را سرنگون کرده و دست آوردهای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی را نابود ساخته و چین سوسیالیستی را در جاده سرمایه داری قرار داده و آن را به کشور سوسیال امپریالیستی (دومین قدرت سرمایه داری امپریالیستی در جهان) مبدل کردند. و نیز با سقوط انور خوجه

در پرتگاه دگمارویزیونیسم در اواخر دهه هفتاد قرن بیستم میلادی حزب کمونیست آلبانی به حزب رویزیونیستی تغییر ماهیت داده و نظام سوسیالیستی را سرنگون کرد.

با به شکست کشاندن انقلاب پرولتری در چین و آلبانی توسط رویزیونیستها جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران شدیدی گردید؛ اما تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در اوایل سال ۱۹۸۴ میلادی با مبارزه اصولی و انقلابی ایدئولوژیک- سیاسی علیه انواع رویزیونیسم خط اصولی و انقلابی را بر مبنای (م-ل-ا و بعد م-ل-م) در جنبش کمونیستی بین المللی روشن ساخته و بر بحران جنبش کمونیستی بین المللی تا حد زیادی فایق آمد. در دهه هشتاد و نود قرن بیستم میلادی جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای پیرو نپال تحت رهبری احزاب کمونیست (م-ل-م) رشد و تکامل قابل ملاحظه یافته و جنگ انقلابی خلق در این دو کشور آغاز گردیده و به موفقیتهای شایانی دست یافتند. از آنجاییکه جنبش کمونیستی بین المللی همواره با دشمنان طبقاتی نیرومندی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور از خارج و انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم در داخل احزاب کمونیست مواجه است؛ هر دو این انقلاب ها بوسیله رویزیونیسم از درون مورد حمله قرار گرفتند. بعد از دستگیری و زندانی شدن رفیق گونزالور هر حزب کمونیست پیرو چندین تن دیگر از کادرهای موثر حزب توسط دولت ارتجاعی پیرو به همکاری «سیا» امپریالیسم امریکا ضربت شدیدی بر این حزب و جریان انقلاب و (جنگ خلق) وارد آمد. در عین زمان تعداد زیادی از اعضای زندانی حزب کمونیست پیرو در زندان دچار انحراف رویزیونیستی شده و به دولت پیرو تسلیم شدند که این جریان بنام خط انحرافی اپورتونیستی «آسومیر» یاد می شود. این تسلیمی ضربت شدید دیگری بود که بر جنگ خلق در پیرو وارد گردید. همچنین سقوط رهبری حزب کمونیست نپال (م-ل-م) در رأس آن «پراچندا» مرتد و خاین در پرتگاه رویزیونیسم در سال (۲۰۰۵ میلادی) انقلاب و جنگ خلق در کشور نپال به شکست کشانده شد. با ضربت خوردن انقلاب در پیرو و به شکست کشاندن انقلاب در نپال توسط رویزیونیستها رهبری جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جا) نیز دچار اپورتونیسم شده و ضربت شدیدی بر جنبش بین المللی کمونیستی (م-ل-م) و مبارزات انقلابی پرولتاریا در سراسر جهان وارد شده و جنبش کمونیستی بین المللی وارد بحران شدیدی عمیقی گردید. و نیز سقوط باب آوکیان در رهبری حزب کمونیست انقلابی امریکا در منجلا ب رویزیونیسم بر عمق و گستردگی بحران جنبش کمونیستی بین المللی افزود.

در اوضاع کنونی جهان جنبش بین المللی کمونیستی (م-ل-م) دچار بحران عمیقی است. با ضعف و پراکندگی جنبشهای انقلابی پرولتری (م-ل-م) در کشورهای مختلف جهان با تخریب احزاب اپورتونیستی و رویزیونیستی؛ زمینه برای «احزاب سوسیال دموکرات» «احزاب سوسیالیست» و «احزاب سوسیالیست کارگری» مساعد شده تا جنبشهای طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و خیزشهای حق طلبانه و آزادی خواهانه توده های خلق در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را از مسیر اصلی آن منحرف کرده و به شکست بکشاند. در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بانفوذ و تسلط هر چه بیشتر ارسطوکراسی کارگری در اتحادیه های کارگری جنبشهای طبقه کارگر را به انحراف کشانده و مبارزه آن هارا در محدوده مبارزه اقتصادی و طرح خواسته های رفاهی در برابر سرمایه داران مهار می کنند. در حالیکه استثمار و استثمار از جانب سرمایه داران بر طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش در این جوامع شدت یافته و با تخریب کاری گسترده در این کشورها از فقر و تنگدستی رنج می کشند. بهمین صورت ستم و استثمار چند لایه و استبداد و بیدادگری طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور و سرمایه داری جهانی و امپریالیسم بر خلقهای کشورهای تحت سلطه (آسیا، آفریقا و امریکای لاتین) بیداد می کند. امپریالیسم جهانی از جمله ابر قدرت امپریالیستی امریکا و متحدین «ناتو» آن خاصاً طی بیست سال اخیر خلقهای کشورهای تحت سلطه را مورد تهاجم نظامی و وحشیانه و اشغال نظامی و تسط استعماری قرار داده اند. ابر قدرت امپریالیستی امریکا و متحدین «ناتو» آن در سال ۲۰۰۱

میلادی افغانستان را مورد تهاجم نظامی وحشیانه قرار داده و آن را به مدت بیست سال تحت اشغال نظامی و تسلط استعماری قرار دادند و بیش از صد هزار تن خلق مظلوم را کشتند و ده ها هزار تن را معلول و معیوب کردند. طبقه کارگر و سایر طبقات و اقشار زحمتکش در افغانستان تحت سلطه استعماری امپریالیست های امریکایی و «ناتو» و دولت دست نشانده آن ها (نماینده طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور) در بیست سال اخیر به شدیدترین وجهی استثمار شده و تحت ستم چندلایه طبقاتی و ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شعوئیستی قرار داشته اند. از جانب دیگر به اثر سیاهکاری و خیانت اپورتونیست ها و ریزیونیست های «سازمان رهای-راوا-حزب همبستگی»^۱ «سازمان انقلابی افغانستان» منشعب از آن^۲ «ساما» و «ساما ادامه-دهندگان»^۳ «سازمان سوسیالیست های کارگری» و دیگر هم قماشان آن ها به گمراهی کشیده شده اند. «حزب کمونیست (م-ل-م) افغانستان» که در منجلاپ اپورتونیسم غرق شده است؛ طی بیست سال اخیر با بکارگیری مفاهیم «انقلابی» خلق های زحمتکش و روشنفکران مترقی مردمی ناآگاه را اغوا کرده و شدیدترین ضربت را به جنبش کمونیستی (م-ل-م) کشور وارد کرده است. امپریالیست های جنایتکار و غارتگر امریکایی و متحدین آن در سال ۲۰۰۳ میلادی کشور عراق را مورد تهاجم نظامی قرار داده و چند صد هزار تن از خلق مظلوم عراق را کشتند و این کشور را برای مدت ده سال تحت اشغال نظامی و تسلط استعماری قرار دادند. این جهانخواران غارتگر در سال ۲۰۱۱ میلادی کشور لیبی را مورد تهاجم نظامی قرار داده و ده ها هزار تن را کشتند و این کشور را به ویرانه ای مبدل کرده و میدان تاخت و تاز نیروهای ارتجاعی مزدورشان و گروه های ارتجاعی اسلامی وحشی دست پرده های شان قرار دادند که تاکنون ادامه دارد. امپریالیست های امریکایی و دولت ارتجاعی ترکیه با تهاجم نظامی کشور سوریه را به ویرانه مبدل کرده و ده ها هزار تن را کشتند. و این مداخلات بهانه ای در دست حافظ اسد سفاک داد تا با کمک دولت ارتجاعی و جنایتکار ایران و امپریالیسم جنایتکار فدراسیون روسیه خلق سوریه را سلاخی کردند و طی ده سال اخیر چندین صد هزار تن از خلق سوریه را بقتل رسانده و چندین میلیون تن مجبور به فرار از کشور شدند. همچنین با اثر توطئه ها و مداخلات و تجاوزات قدرتهای امپریالیستی و دولت های ارتجاعی^۴ گروه های ارتجاعی اسلامی مزدور امپریالیست ها علیه خلق های عراق و سوریه و یمن و سومالی طی ده سال اخیر منجر به قتل صدها هزار تن از خلق های مظلوم این کشورها شده و شنیع ترین جنایات را علیه آن ها مرتکب شده اند که هنوز هم با شدت ادامه دارد. طی بیش از دو ماه اخیر امپریالیسم فدراسیون روسیه کشور اوکراین را مورد تهاجم نظامی وحشیانه قرار داده و هزاران تن از خلق این کشور را کشته و تا کنون حدود پنج میلیون تن مجبور به فرار از کشورشان شده اند. ارتش فاشیست و جنایتکار روسیه به دستور پوتین سفاک و دیگر همدستان او در کرملین بخش اعظم زیربناها و تأسیسات نظامی و اقتصادی^۵ منابع تولیدی و مناطق مسکونی کشور اوکراین را ویران و نابود کرده اند. از جانب دیگر دولت ارتجاعی و ارتش اوکراین بر هبری زلنسکی (این سرسپرده های امپریالیست های امریکایی و «ناتو») این جنگ را در جهت تامین منافع طبقاتی خود و تحقق استراتژی و اهداف امپریالیست های امریکایی و «ناتو» در این منطقه به پیش می برند و از کمک های بیدریغ نظامی و مالی و حمایت های سیاسی آن ها برخوردارند. در چنین اوضاعی وحشتناک در حالیکه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان اوکراین که از داشتن حزب کمونیست انقلابی (م-ل-م) محروم هستند و نمی توانند جنگ انقلابی را در جهت طرداشغال نظامی امپریالیسم فدراسیون روسیه و سرنگونی طبقات حاکم ارتجاعی (دولت) اوکراین و قطع سلطه امپریالیست های امریکایی و «ناتو» سازمان داده و به پیش برند^۶ قربانی این جنگ جنایتکارانه شده اند. و نیز در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در ضعف و یا نبود جنبش های انقلابی پرولتری از جمله در کشورهای اسلامی زمینه برای نفوذ و وحشی گری های گروه های اسلامی با توطئه و تحریک و همکاری قدرتهای امپریالیستی بیش از قبل مهیا شده است. به یقین که در صورت نیرومندی جنبش کمونیستی بین المللی و وجود احزاب کمونیست انقلابی نیرومند در این کشورها^۷ امپریالیست های غارتگر با همدستی دولت های ارتجاعی مزدوران آن ها به آسانی نمی توانستند که خلق های این کشورها را مورد تهاجم نظامی وحشیانه

واشغال استعماری قرار دهند. واگر به چنین جنایتی دست می یازیدند در این کشورها با جنگ انقلابی طولانی توده های خلق تحت رهبری کمونیستها و پرولتاریای انقلابی این سرزمین ها به گورستان آن ها مبدل می گردید.

با وجود تمام خیانت های انواع رویزونیسم و اپورتونیسم به جنبش های انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان و در سطح بین المللی و توطئه ها و تخریب های قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی مزدوران ها علیه کمونیسم انقلابی و «سیاه» جلوه دادن تاریخ پر ابهت و پرافتخار کمونیسم انقلابی خاصاً در قرن بیستم میلادی و باوه گوهیهای مطبوعات سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و نویسندگان اجیران ها مبنی بر «مرگ کمونیسم» که در این مورد ده ها و صدها رساله و کتاب و مقاله به نشر رسانده اند و هنوز هم ادامه می دهند و در مراکز تحصیلات عالی کشورهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی به کسانی که در این زمینه قلم میزنند و رساله و کتاب می نویسند رتبه های «علمی» و یا پاداشهای نقدی می دهند. همچنین خیانت انواع رویزونیسم علیه کمونیسم انقلابی و سرکوبهای وحشیانه کمونیستهای انقلابی بوسیله امپریالیسم و ارتجاع در کشورهای مختلف جهان کمونیسم انقلابی (م- ل- م) زنده است و در راه پیشرفت و تکامل می رزمند. در اوضاع کنونی در هشت ایالت هندوستان در کشور فلیپین و در کشورهای پیرو و ترکیه (کردستان شمالی) جنگ انقلابی خلق تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی (م- ل- م) جریان دارد. جریان انقلاب پرولتری در این مناطق نقاط امیدی برای کمونیستها و پرولتاریای انقلابی و طبقات خلق زحمتکش و نیروهای مترقی ضدامپریالیسم و ضدارتجاع در سراسر جهان است. کمونیسم انقلابی یگانه راه نجات واقعی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان از استثمار ظالمانه و انواع ستم و مظالم و وحشیانه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور نوکرامپریالیسم می باشد. راه نجات طبقه پرولتاریا و سایر طبقات خلق زحمتکش جهان فقط از طریق جنگ انقلابی خلق تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی (م- ل- م) واقعی پیروزی مبارزات توده های خلق در کشورهای تحت سلطه در سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و قطع سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و پیروزی سوسیالیسم و جامعه بدون طبقه (کمونیسم) امکان پذیر است. بهمین صورت در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی سرنگونی حاکمیت طبقه سرمایه دار و پیروزی انقلاب سوسیالیستی از طریق جنگ انقلابی طبقه کارگر میسر می گردد. دیگر هرالترناتیفی طولانی کردن عمر حاکمیت غارتگرانه و جنایتکارانه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و حاکمیت طبقات ارتجاعی نوکران ها و تداوم فقر و گرسنگی و رنج و فلاکت طبقات خلق زحمتکش در سراسر جهان خواهد بود.

- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!

- مستحکم باد انترناسیونالیسم پرولتری!

- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و خلقهای زحمتکش جهان!

- نابود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم!

- مرگ بر انواع رویزونیسم و اپورتونیسم این خادمان سرمایه داری جهانی!

اول ماه می ۲۰۲۲ میلادی

نویسنده: پولاد

